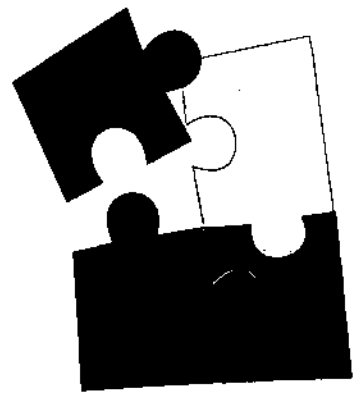




بستہ مدیریت کلاسی

با این بستہ همه با هم یاد می گیریم



عنوان و نام پدیدآور: بسته مدیریت کلاسی، راهنمای تدریس انگلیسی ۲- باقری، احمد.
 مشخصات نشر: تهران: مرآت دانش، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص: مصور، جدول، نمودار.
 شابک: 978-600-125-350-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
 موضوع: انگلیسی - آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه)
 موضوع: انگلیسی - راهنمای آموزشی (متوسطه)
 رده‌بندی کنگره: LB3۰۶۰/۲۶/ک۱۱۸۶۴ ۱۳۹۰
 رده‌بندی دیویی: ۳۷۳/۳۳۸۰۷۶
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۰۹۴۶۱۶

بسته مدیریت کلاسی / راهنمای تدریس انگلیسی ۲

مؤلف: احمد باقری
 بازنگر علمی: سپیده فلاح
 ناشر: مرآت دانش
 گرافیک: فائزه شکوری، رضا مرادی، سایا مکانی
 تایپ: محمد سیاح
 صفحه‌آرایی: مریم پزشک
 ناظر فنی چاپ: فاطمه حسن‌زاده
 لیتوگرافی: رایانه نگار
 چاپ و صحافی: طیف‌نگار
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰
 تیراژ: ۲۰۰۰
 قیمت: غیر قابل فروش

دپارتمان علمی انگلیسی (به ترتیب حروف الفبا):
 شرمین افشاری، سپیده اینانلو، احمد باقری،
 علیرضا رزاقی، ژاله خاکی، جمشید صفت‌کار حقی،
 شهراد محجوبی، عباس نعمت‌اللهی

«پروژه بسته مدیریت کلاسی»
 کنترل زمان‌بندی پروژه: محمدرضا نیازی
 کنترل فنی تایپ و صفحه‌آرایی: رقیه احمدی
 کنترل محتوای پروژه: احمد اصغرزاده

دفتر مرکزی مرآت:

آدرس: تهران، خیابان کریم‌خان زند، ابتدای خردمند شمالی، ساختمان شماره ۸۰
 تلفن: ۸۸۸۱۳۵۲۰ - ۹ (دخ خط) / فاکس: ۸۸۸۱۳۵۱۹ / سرویس پیام کوتاه (SMS): ۳۰۰۰۴۰۲۰
 صندوق پستی: ۱۵۸۵۵ - ۳۷۶ پایگاه اینترنتی: <http://www.meraat.ir>
 پایگاه اینترنتی بسته مدیریت کلاسی: <http://www.meraatpack.ir>

حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی‌برداری یا نقل مطالب بدون اجازه‌ی کتبی ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست

صفحه	عنوان
پیشگفتار	چهار
راهنمای استفاده از بلاگ معلم	نوزده
هفته‌های آموزشی انگلیسی ۲	بیست و سه
هفته آموزشی ۱	Review of Book 1 ۲۵
درس ۱	Washoe and the Puzzles ۳۳
درس ۲	The Other Side of the Moon ۵۹
درس ۳	Holland's Toy Town ۸۹
درس ۴	Charles Dickens and the Little Children ۱۱۳
آزمون پایانی نوبت اول (دی‌ماه) (سری اول)	۱۳۶
آزمون پایانی نوبت اول (دی‌ماه) (سری دوم)	۱۴۱
درس ۵	The Little Old Man Who Could not Read ۱۴۷
درس ۶	Hic, Hic, Hic! ۱۷۷
درس ۷	How Are You? ۲۱۱
آزمون پایانی نوبت دوم (خردادماه) (سری اول)	۲۳۷
آزمون پایانی نوبت دوم (خردادماه) (سری دوم)	۲۴۳

در کشور ما کتاب درسی یکی از ابزارهای اصلی آموزش به‌شمار می‌آید و معلمان و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری به این ماده‌ی آموزشی تکیه دارند. هر چند کتاب درسی مزایای بسیاری همچون پرهیز از پراکنده‌کاری دارد، اما به تنهایی نمی‌تواند بار توجه به تفاوت‌های فردی و آموزش کامل به همه‌ی سطوح دانش‌آموزان را به دوش بکشد. هنگامی می‌توان به آینده‌ی یک نظام آموزشی امیدوار بود که با به‌کارگیری مدل‌ها یا الگوهای آموزشی حول محور کتاب درسی، عناصر تأثیرگذار در فرایند یاددهی - یادگیری را با بهینه‌ترین حالت در فرایند آموزش دخیل کرد.

مرکز نوآوری‌های آموزشی مرآت پس از سه سال بررسی تطبیقی محتوای سیستم‌های موفق آموزشی ایران با سایر کشورها و در راستای تقویت مدیریت کلاسی و ارائه‌ی یک مدل آموزشی در مدارس کشور، اقدام به تولید و توزیع بسته‌ی مدیریت کلاسی کرده است. بسته‌ی مدیریت کلاسی شامل چهار قسمت «کتاب راهنمای تدریس»، «کاربرگ»، «کتاب کار» و «آزمون‌های هماهنگ» است که هر یک ابزاری برای رسیدن به اهداف آموزشی کتاب‌های درسی هستند. به صورت مشخص، کتاب راهنمای تدریس، محتوای آموزشی را غنا می‌بخشد؛ کاربرگ، فرایند یاددهی را تصحیح می‌کند؛ کتاب کار، یادگیری دانش‌آموز را تکمیل و تثبیت می‌نماید و در آخر آزمون‌های هماهنگ، ارزشیابی اقدامات انجام شده را در قالب گزارش‌های مختلف ارائه می‌کند. در واقع کتاب راهنمای تدریس، ميثاق‌نامه‌ی مرآت و معلمان مدارس برای پیاده‌سازی بسته‌ی مدیریت کلاسی است و هدف عمده‌ی آن، یاری رساندن به معلمان در اجرای مطلوب بسته‌ی مدیریت کلاسی برای تحقق اهداف آموزشی کتاب درسی می‌باشد.

اهمیت این راهنما، به‌خصوص در این نکته است که فلسفه هدف‌ها، قلمرو و توالی فرصت‌های یاددهی - یادگیری را برای معلمان، به منظور شناخت هر چه بیش‌تر نسبت به بسته‌ی مدیریت کلاسی، مشخص کرده است. همچنین در این کتاب، راهبردهای مفید آموزشی را به منظور تحقق هر چه بیش‌تر تعادل بین فراگیر و معلم، ارائه کرده‌ایم و سعی بر این بوده است تا نقاط ضعف احتمالی را به کمک معلمان به حداقل برسانیم.

کتاب راهنمای تدریس، با توجه به اهداف آموزشی، مکمل ابزار یاددهی (کاربرگ)، ابزار یادگیری (کتاب کار)، ارزشیابی (آزمون هماهنگ) و کتاب رسمی آموزش و پرورش (محتوا) به عنوان حلقه‌ی متصل کننده‌ی این چهار وجهی تلقی می‌گردد. در کتاب راهنمای تدریس، دیدگاه حاکم بر بسته‌ی مدیریت کلاسی، چگونگی انتخاب محتوا و نحوه‌ی ارزشیابی آن جهت ایجاد یک نگرش شفاف در مورد ساختار اجزای بسته‌ی مدیریت کلاسی آورده شده است. همچنین جدول زمان‌بندی پیشنهادی تدریس با ذکر صفحه‌های کتاب درسی مربوطه و تعداد هفته‌های آموزشی و پیش‌بینی زمان آزمون‌های مستمر، هماهنگ و پایانی آمده است. کتاب راهنمای تدریس، محل پیوند سایر اجزای بسته‌ی مدیریت کلاسی (کاربرگ، کتاب کار، آزمون هماهنگ) است که به عنوان ابزار طرح درس عملیاتی جهت بهینه کردن فرایند یاددهی - یادگیری توسط معلم مورد استفاده قرار می‌گیرد. رنوس مطالبی را که در کتاب راهنمای تدریس به آن پرداخته شده، می‌توان به صورت خلاصه این گونه تقسیم‌بندی کرد:

- تقسیم کتاب درسی به هفته‌های آموزشی، متناسب با ساعت تدریس هر قسمت
- مشخص کردن بودجه‌بندی هفته‌های آموزشی بر اساس وزن مطالب کتاب درسی
- بیان اهداف آموزشی هر هفته
- ارائه‌ی جدول ارتباط اهداف آموزشی با سوالات کاربرگ و کتاب کار
- معرفی منابع مفید برای معلمان و دانش‌آموزان
- ارائه‌ی پاسخ تشریحی سوالات کاربرگ و کتاب کار

- ارائه‌ی تجربیات تدریس در قالب «یادداشتی برای همکار»
 - مشخص کردن سطح سوالات کاربرگ و کتاب کار (ساده، متوسط، دشوار و خلاقانه)
 لازم به ذکر است که سؤال‌ها در بسته‌ی مدیریت کلاسی در چهار سطح دسته‌بندی شده‌اند:

سطح ساده : در این سطح از سؤال‌ها، بین دانش‌آموزانی که پایه‌ای‌ترین مفاهیم مطالب ارائه‌شده را فرا گرفته‌اند و دانش‌آموزانی که به هر دلیل در فهم آن مطلب ناتوان مانده‌اند، تمایز ایجاد می‌شود.
سطح متوسط : هدف از طرح این سؤال‌ها، تفهیم کامل مطالب تدریس‌شده است؛ به بیان دیگر این سؤال‌ها دانش‌آموز را با مطلب مأنوس می‌کند و راه را برای طرح سؤال‌های سطح دشوار هموار می‌سازد.
سطح دشوار : این سؤال‌ها یکی از حالات زیر را دارا هستند:

۱. سؤال‌هایی که دام‌های آموزشی دارند.
 ۲. سؤال‌هایی که صورت سؤال و یا گزینه‌ها یا استفاده از مفاهیم مختلف کتاب طرح شده‌اند.
 ۳. سؤال‌هایی که نیاز به حل طولانی دارند.
 ۴. سؤال‌هایی که از نتایج تمرین‌های کتاب استخراج شده‌اند.
 ۵. سؤال‌هایی که براساس اشتباهات متداول دانش‌آموزان، طراحی شده‌اند.
- سطح خلاقه** : این سؤال‌ها براساس یکی از حالت‌های زیر طرح شده‌اند:
۱. برخی از سؤال‌ها به علت تکرار زیاد در آزمون‌های مختلف به شکل سؤال‌های متداول درآمدند. در این سؤال‌ها بیشتر دانش‌آموزان بدون توجه به صورت سؤال و بر اساس تصور قبلی خود، اقدام به حل آن می‌کنند. طراح سؤال می‌تواند با تغییرات اندکی در صورت سؤال، دانش‌آموزان را به اشتباه بیندازد.
 ۲. سؤال‌هایی که تنها زمانی برای دانش‌آموز قابل حل است که وی به درک عمیقی از مطلب رسیده باشد و بتواند آن را در قالب‌های مختلف بازشناسد.
 ۳. سؤال‌هایی که صورت پیچیده یا اطلاعات اضافی دارند، به نحوی که این اطلاعات به حل آن سؤال کمکی نمی‌کند.
- پیش از توضیح بیش‌تر و تشریح سایر اجزای بسته، لازم است به چند نکته پیرامون ضرورت تولید بسته‌ی مدیریت کلاسی با توجه به نیازهای موجود در نظام آموزشی اشاره شود.

نکته ۱: تاریخچه‌ی کلاس درس

برای کلاس درس می‌توان سه دوره را در نظر گرفت:

- دوره‌ی اول: معلم‌محوری
- دوره‌ی دوم: محتوامحوری
- دوره‌ی سوم: دانش‌آموزمحوری

در دوره‌ی «معلم‌محوری» که می‌توان از منظر تاریخی، آن را پیش از ایجاد دولت‌های ملی دانست، در مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم، معلم، محور محتوای ارائه شده در مدرسه بود و آنچه را شایسته و لازم می‌دانست در کلاس به دانش‌آموزان ارائه می‌نمود. پس از تشکیل دولت‌های ملی، نوع نگاه به کلاس درس دچار تغییراتی شد. در این دوره که آن را «محتوامحوری» می‌نامیم، ارائه‌ی کتاب‌های درسی مشترک، آموزش‌های عمومی و همگانی و ارائه‌ی طرح درس بر مبنای محتوا و اهداف کتاب‌های درسی، مورد تأکید قرار گرفت. در این دوره، تجربیات موفق و ناموفقی را شاهد بودیم. مشخصه‌ی اصلی دوره‌ی سوم یا دوره‌ی «دانش‌آموزمحوری» توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و درگیر کردن آن‌ها در فرایند آموزش است. ارائه‌ی محتوای مشترک از یک سو و توجه به پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از سوی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌های همه‌ی نظام‌های آموزشی است. تدارک بستهای که بتواند با ارائه‌ی محتوای مناسب، با محوریت معلم و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، به فرایند یاددهی-یادگیری کمک

نماید. اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را باید در محتوای آموزشی و فرایند یاددهی نیز لحاظ کرد. هر چند رسم رایج، طبقه‌بندی یادگیرندگان به گروه‌های A، B و C است ولی سیستم آموزشی موفق، سیستمی است که بتواند بدون جدا کردن دانش‌آموزان، محتوای آموزشی و فرایند یاددهی را گوناگون کند در بسته‌ی مدیریت کلاسی سعی ما بر این بوده است تا با ارائه‌ی محتوا در شکل‌های گوناگون، تفاوت‌های فردی را مد نظر داشته باشیم^۱.

نکته‌ی ۲: از مدیریت مدرسه تا مدیریت کلاسی

اصطلاح و مفهوم «مدیریت مدرسه‌محور» در اغلب نظام‌های آموزشی پیشرفته‌ی جهان، سابقه بیش از دو دهه بررسی و تجربه را به همراه دارد. در ایران نیز این مفهوم، با عنوان «مدرسه محوری» شناخته شده است و در ادبیات برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان یکی از سیاست‌های مهم برای اصلاح ساختار آموزش و پرورش مطرح شده است. مدیریت مدرسه محور، همواره با تمرکززدایی در نظام آموزشی همراه بوده است. هدف اصلی از محور قرار دادن مدرسه و تفویض اختیار به آن، افزایش کارایی و اثربخشی آموزش‌های ارائه شده در مدرسه عنوان گردیده است^۲. اما در سال‌های اخیر، گفتمان جدیدتری در عرصه‌ی آموزش و پرورش جهان با عنوان مدیریت کلاسی مطرح شده است. با توجه به این مآله، موفق‌ترین مدیریت در آموزش و پرورش، مدیریتی است که از سطح ستادی به مدرسه و از مدرسه به کوچک‌ترین واحد آموزشی آن یعنی کلاس درس معطوف شود؛ لذا مدرسه‌ی موفق، مدرسه‌ای است که می‌تواند کلاس درس را مدیریت نماید. در غیر این صورت برنامه‌های آموزشی، سندها، آیین نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها تا در اتاق کلاس، بیش‌تر پیش نخواهند رفت و عملاً اجرایی نخواهند شد.

به‌سازی کیفیت فرایند یاددهی- یادگیری در مدارس و آماده کردن دانش‌آموزان برای آینده، مستلزم ارتقای کیفیت تدریس و تعمیق آموزش است. امروزه انتظار از مدارس فراخ‌از دوره‌های گذشته است. تقاضا برای دانش و مهارت بیش‌تر، فشارهای زیادی را در طول سال تحصیلی بر معلمان وارد می‌آورد. اهمیتی که به نتایج امتحانات پایانی داده می‌شود، استفاده از کارنامه‌ها و آزمون‌های بین مدارس و توجه دقیق نشریات و وسایل ارتباط جمعی، انتظارات زیادی را به‌وجود آورده است. معلمان به‌طور دایم زیر ذره‌بین هستند و از آنان انتظار می‌رود که بتوانند کلاس‌های خود را به‌صورتی مؤثر و کارآمد اداره کنند.

یکی از کلیدی‌ترین نکات مدیریت مؤثر کلاسی این است که تدریس، باید فعالیتی باشد که معلم همراه با دانش‌آموزان انجام می‌دهد؛ به عبارتی دیگر دانش‌آموز باید در کلاس، عنصری فعال باشد. دانش‌آموزان نه به عنوان گیرنده‌ی منفعل حرف‌های معلم بلکه باید به عنوان همکار در کلاس شرکت کنند. با توجه به اهمیت مدیریت کلاسی، ارائه‌ی یک بسته‌ی آموزشی برای یک کلاس یکی از نیازهای مدارس تلقی می‌شود.

نکته‌ی ۳: لزوم توجه به کتاب درسی و ارائه‌ی یک سیستم آموزشی

مواد آموزشی، محصول فرایند برنامه‌ریزی هستند پس از برنامه‌ریزی درسی، محتوا، تجربه‌ها و روش‌های یاددهی - یادگیری به شکل کتاب، جزوه و دستورالعمل‌ها ارائه می‌شوند که از آن‌ها به مواد آموزشی تعبیر می‌شود.

در کشور ما که کتاب درسی یکی از ابزارهای اصلی آموزش به‌شمار می‌آید و معلمان و دانش‌آموزان در فعالیتهای یاددهی - یادگیری به این مادی آموزشی تکیه دارند، تهیه و تولید کتاب‌های درسی مناسب، امری بسیار ضروری است. در کشورهای دیگر نیز که مواد آموزشی متنوعی تولید می‌شوند، کتاب درسی همچنان به عنوان یکی از منابع اساسی یادگیری، موقعیت خود را حفظ کرده است. همواره یکی از دغدغه‌های آموزش و پرورش کشور به‌کارگیری کتاب‌های آموزش و پرورش در راستای تحقق اهداف آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی کشور و اجتناب مدارس از پراکنده‌کاری بوده است و با بخش‌نامه‌های گوناگون این امر مهم به مدارس تذکر داده شده است. در عین حال، امروزه کتاب درسی نمی‌تواند صرفاً

^۱ «پیتر سنگه» در مقدمه‌ی کتاب «Schools That Learn» در ذیل مقاله‌ی «سیستم آموزشی در عصر صنعتی» به بررسی پیش‌فرض‌های نادرست ما از مدرسه‌داری می‌پردازد. از جمله این پیش‌فرض‌ها تقسیم یادگیرندگان به دو گروه خنگ و باهوش و برچسب زدن به آنها است. تاریخچه‌ی شکل‌گیری مدارس جدید در این کتاب به تفصیل آمده است.

^۲ مجموعه تجربیات مدرسه محوری در کشورهای مختلف در دو دهه اخیر در کتاب «مدیریت مدرسه محور» نوشته «ایسام ابوضحی» از «انتشارات مدرسه» جمع‌آوری شده است.

ابزار انتقال اطلاعات باشد، زیرا بر کردن ذهن از اطلاعات، کمک به شهروندان امروز در برخورد با مسائل جدید زندگی نمی‌کند. کتاب‌های درسی باید از طریق ایجاد فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری انفرادی و گروهی، مهارت‌های ذهنی و عقلانی سطح بالاتر را در فرد تقویت کنند؛ اما این تقویت و کمک باید به صورت یک سیستم آموزشی منظم ارائه گردد تا موجب ارزشیابی اهداف آموزشی و برنامه درسی شود و از انجام آموزش‌های پراکنده و غیرهدفمند و خارج از سیستم برنامه و اهداف آموزش و پرورش اجتناب گردد.^۱ انسان امروز به توانایی‌های کاوشگری و تحقیق نیاز دارد. از آنجا که دانش امروز خیلی سریع رشد می‌کند و دانش موجود، منسوخ می‌شود، احاطه به دانش مفید و ضروری برای افراد امکان‌پذیر نیست؛ بلکه افراد باید روش کاوشگری را بیاموزند و صلاحیت مواجهه با مسائل زندگی را پیدا کنند. این رسالت عظیم تربیتی به میزان قابل توجهی از طریق کتاب‌های درسی انجام می‌گیرد؛ زیرا در آموزش رسمی هیچ عملی به اندازه‌ی این ماده‌ی آموزشی، شمول، وسعت و کاربرد در آموزش کودکان و نوجوانان ندارد. کتاب درسی آموزش و پرورش همواره باید به‌عنوان محور اصلی کتاب‌های کمک آموزشی در نظر گرفته شود.

نکته‌ی ۴: یک نقد و یک پاسخ

در برابر استانداردسازی در آموزش و ارائه‌ی سیستم‌های آموزشی، منتقدان همواره توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و توجه به خلاقیت معلمان را به عنوان نقدهای اصلی این گونه طرح‌ها مطرح کرده‌اند. شاید نمونه‌ی بارز این نقد به کل سیستم‌های آموزشی، کتاب «مدرسه‌زدایی از جامعه» نوشته «ایوان ایلیچ» باشد که نقدهای سنگین بر بیکره‌ی سیستم‌های آموزشی وارد می‌آورد. سؤالی اساسی که بنیان نقد ایلیچ نیز بر آن قرار دارد، این است که چگونه می‌توان پارادوکس میان ارائه‌ی یک آموزش حداقلی یکسان، برنامه‌ی درسی ملی، تربیت شهروندی و ارائه‌ی یک سیستم آموزشی برای همه دانش‌آموزان از یک سو و توجه به تفاوت‌های فردی و خلاقیت معلم را صورت‌بندی کرد؟ سؤال این است که خط تعادل کجاست؟ توجه به بخشی از کتاب «بازاندیشی یاددهی - یادگیری» به روشن‌تر شدن این بحث کمک می‌کند:

«استانداردسازی فرآیند تدریس، فقط در صورتی می‌تواند قابل قبول و موجه ارزیابی شود که با خلاقیت، آزادی عمل، اعطای فرصت قالب‌شکنی و تفکر حین عمل به معلم در تعارض نباشد و تدریس به فعالیتی بدون تفکر و فارغ از موقعیت‌ها و بستر تصمیم‌گیری و عمل تبدیل نشود». این نوشتار در چنین چارچوبی و با عنایت به تلفیق غیرصنعتی از مقوله‌ی استاندارد، به تعریف مدلی پرداخته که تدریس، معطوف به استانداردها می‌تواند تلقی شود.

در بسته‌ی مدیریت کلاسی مرآت کوشیده‌ایم تعادلی بین این دو دیدگاه برقرار کنیم و با توجه به نظریه سبک‌های یادگیری کُلب^۲ و ایجاد تنوع در محتوای آموزشی در بسته‌ی مدیریت کلاسی به خط تعادل نزدیک شویم.

حال با در نظر گرفتن این چند نکته در ادامه به معرفی اجزای بسته مدیریت کلاسی می‌پردازیم:

کاربرگ:

موضوع	شرح
تعریف	ابزار بازخوردگیری از فرآیند یاددهی معلم در کلاس براساس طرح درس عملیاتی هفتگی
محتوای کاربرگ	۱۲ تا ۲۰ مفهوم کفر آموزش به صورت انواع سؤال‌ها در قالب سطوح ساده و متوسط و بدون پاسخ
ویژگی ظاهری	برفراز شده و پانچ شده، دو رنگ، بین ۲۵ تا ۳۰ برگ
مخاطب	دانش آموز و معلم
کُلب (Kolb)	Doing

^۱ خواندن کتاب «استاندارد سازی در آموزش» نوشته‌ی «دکتر علی اکبر جابری مقدم و دکتر حسین خنیفر» برای آشنایی با استانداردسازی در آموزش و آگاهی از لزوم توجه به یک سیستم آموزشی توصیه می‌شود. اشاره مولف در مقدمه به گزارش «عملتی در خطر» از مطالب خوانندگی این کتاب است.

^۲ کتاب «مدرسه‌زدایی از جامعه» نوشته «ایوان ایلیچ» یکی از مطرح‌ترین کتاب‌ها در عرصه نقد سیستم‌های موجود آموزش و پرورش در جهان است. کتاب «بازاندیشی یاددهی - یادگیری» نوشته «دکتر محمود مهرمحمدی» تلاش دارد تا بازاندیشی مجددی از آموزش و پرورش لایه دهد و در واقع پاسخی است به این پارادوکس.

^۳ برای آشنایی با سبک‌های یادگیری کُلب به پایگاه اینترنتی www.meraatpack.ir مراجعه نمایید.

کاربرگ ابزار بازخوردگیری از فرایند یاددهی معلم است؛ به بیان دیگر، معلم پس از رجوع به طرح درس در کتاب راهنمای تدریس و آموزش مطالب درسی، با استفاده از کاربرگ، موفق به شناخت ضعف‌های عموم دانش‌آموزان در یک یا چند نکته‌ی درسی می‌شود و در پی آن، ضعف در یاددهی آن مطلب و چه بسا از قلم افتادن مطلبی را نیز درمی‌یابد و آن را تصحیح می‌کند. کاربرگ با در برداشتن سؤال‌های سطح ساده و متوسط، پیوسته به پوشش «کف آموزش»^۱ توجه دارد. در اینجا توضیحی کوتاه پیرامون مفهوم کف آموزش ضروری به نظر می‌رسد. در کتاب راهنمای تدریس مرات (در قالب اهداف آموزشی) و راهنمای معلم آموزش و پرورش قید شده‌است که پس از یادگیری هر قسمت، دانش‌آموزان باید چه مفاهیم و مباحثی را آموخته باشند. پوشش این سطح در واقع پوشش کف آموزش است؛ به بیان دیگر حداقل آموزش در تمامی مدارس باید یکسان باشد و به همین سبب با استفاده از کاربرگ می‌توان از دست‌یابی به این هدف مهم اطمینان یافت. برای آماده‌سازی کاربرگ مراحل زیر انجام شده‌است:

- تقسیم‌بندی کتاب درسی به هفته‌های آموزشی متناسب با ساعت تدریس هر قسمت
- استخراج اهداف آموزشی هر هفته‌ی آموزشی و مشخص کردن انتظارهای یادگیری از دانش‌آموزان
- استفاده از انواع سؤال‌های چهارگزینه‌ای، تشریحی، کوتاه‌پاسخ، جورکردنی و ... متناسب با تأمین اهداف آموزشی برای اطمینان از یاددهی کف آموزشی
- شرح کامل چرایی و چگونگی ارتباط اهداف آموزشی و سؤالات کتاب کار و کاربرگ در کتاب راهنمای تدریس ویژه‌ی معلمان.

به بیان دیگر، در طراحی کاربرگ ابتدا کتاب درسی با توجه به زمان لازم برای تدریس هر بخش به حدود ۲۵ هفته آموزشی تقسیم شده است. برای نمونه ممکن است به فصل اول یک کتاب، تنها یک برگه و به فصل دوم، پنج برگه اختصاص داده شود. این بدان معنی است که فصل دوم جدا از حجمی که از کتاب بررسی به خود اختصاص داده، برای تدریس پنج برابر فصل اول زمان لازم دارد. این تقسیم‌بندی، براساس تجربه‌ی جمعی از معلمان موفق انجام شده‌است. همچنین این تقسیم‌بندی با بارم‌بندی امتحانات رسمی آموزش و پرورش و توزیع سهمیه‌ی سؤال‌های هر فصل در تعداد کلی سؤال‌ها در این امتحانات، هماهنگی کامل دارد.

برنامه‌ریزی زمانی و نیز پوشش‌دهی همه‌ی مطالب درسی از سوی معلم در هر هفته‌ی آموزشی از مهم‌ترین بخش‌های کاربرگ است. در طراحی کاربرگ از انواع سؤال‌ها مانند چهارگزینه‌ای، تشریحی، کوتاه‌پاسخ، جای خالی، جورکردنی و ... استفاده شده است که هر کدام نسبت به دیگری برتری‌هایی در یاددهی دارند. طراحان این سؤال‌ها از اهداف کتاب راهنمای تدریس بهره بردارند که البته مرجع نهایی این کتاب نیز کتاب راهنمای معلم آموزش و پرورش و نیز تجربه‌های معلمان موفق بوده است.

در کتاب راهنمای تدریس در آغاز هر هفته، اهداف آموزشی همان هفته مشخص شده و سؤال‌های کاربرگ بر مبنای این اهداف و پوشش کف آموزش طرح شده‌اند. در کاربرگ برای هر هدف آموزشی مطرح‌شده در کتاب راهنمای تدریس، یک یا چند سؤال در نظر گرفته شده است. طراحان این بخش از بسته‌ی مدیریت کلاسی همواره به این نکته توجه داشته‌اند که سؤال‌ها از جنس آموزشی باشند؛ یعنی ظاهر پیچیده‌ای نداشته باشند و تنها یک هدف آموزشی مشخص را دنبال کنند. برای نمونه طرح یک سؤال فیزیک در کاربرگ که نیاز به محاسبات پیچیده‌ی ریاضی دارد، اهداف کاربرگ را محقق نخواهد کرد و این امر باعث واپس‌زدگی مطلب جدید از سوی دانش‌آموز و سرایت ضعف احتمالی او در درس ریاضی به فیزیک می‌شود.

آنچه بسیار مهم است و بی‌توجهی به آن در رسیدن به اهداف آموزشی پیش رو موانعی به وجود می‌آورد، استفاده‌ی نادرست از کاربرگ، یعنی استفاده از آن در جایگاه سنجش یا تکلیف دانش‌آموز است. اگر از کاربرگ به مثابه‌ی آزمونی برای دانش‌آموزان بهره‌برداری شود، نه تنها هدف کاربرگ را که همان بازخوردگیری از فرایند یاددهی (و نه یادگیری) است، نادیده می‌گیرد، بلکه دانش‌آموز را در اولین مرحله‌ی یادگیری دچار اضطراب می‌کند و در پی آن ضعف در یادگیری اتفاق می‌افتد. پس این نکته را همواره مد نظر داشته باشیم که کاربرگ ابزار تدریس معلم و بازخوردگیری از فرایند یاددهی است نه آزمون یا تکلیف.

^۱ به حداقلی از آموزش که در کلاس درس می‌بایست ارائه گردد و همه‌ی دانش‌آموزان کلاس آن را فراگیرند، کف آموزش می‌گویند.

برای استفاده از کاربرگ روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

استفاده از کاربرگ در حین تدریس: معلم می‌تواند برای اطمینان از یاددهی کف مطالب مربوط به هر هدف آموزشی در کلاس، با استفاده از «جدول ارتباط اهداف آموزشی با سوالات کاربرگ و کتاب کار»^۱ از دو روش زیر برای استفاده از کاربرگ در حین تدریس استفاده نماید:

- آموزش گام به گام همراه با معلم: در این روش معلم در حین تدریس و پس از آموزش هر قسمت درس از دانش‌آموزان می‌خواهد تا سؤال مربوط به آن قسمت درس را در کاربرگ حل کنند. پس از آن معلم به حل آن سؤال یا سؤال‌ها می‌پردازد و دانش‌آموزان می‌توانند نکته‌های آموزشی مربوط به هر سؤال را فراگیرند به این ترتیب پس از تدریس هر قسمت از درس در یک هفته‌ی آموزشی، سؤال‌های مربوط به آن قسمت از کاربرگ در کلاس حل و بحث می‌شود.

- تدریس با استفاده از به بحث گذاشتن سؤال‌های کاربرگ: معلمان می‌توانند تدریس خود را بر مبنای سؤال‌های کاربرگ پی بگیرند؛ به این معنی که با مرجع قرار دادن سؤال‌های کاربرگ، با حل تک‌تک سؤال‌ها و به بحث گذاشتن آنها در کلاس فرایند آموزش و یاددهی را به کمک حل مسأله پیش ببرند. حسن این روش، آن است که دانش‌آموزان مطلب را از ابتدا با حل مسأله می‌آموزند و این موضوع می‌تواند تأثیر مثبتی بر توانایی حل مسأله‌ی آنها داشته باشد.

استفاده از کاربرگ پس از تدریس: معلم ابتدا برای اطمینان از یاددهی کف مطالب مربوط به هر هدف آموزشی در کلاس، به تدریس مفاهیم درس می‌پردازد و سپس کاربرگ مربوط به آن هفته‌ی آموزشی را در کلاس توزیع می‌کند. در این حالت کاربرگ‌ها می‌توانند به یکی از روش‌های زیر در کلاس مورد استفاده قرار گیرند:

- حل کامل به صورت انفرادی: در این روش معلم پس از تدریس کلیه‌ی مباحث مربوط به آن هفته‌ی آموزشی، از دانش‌آموزان می‌خواهد تا هر یک به تنهایی در مدت زمان معینی به حل سؤال‌های کاربرگ بپردازند. در پایان وقت، معلم می‌تواند از بین افرادی که موفق به حل مسایل کاربرگ شده‌اند، یک داوطلب را برای حل سؤال برای دیگر دانش‌آموزان، انتخاب کند. در پایان معلم می‌تواند به رفع اشکال سؤال‌های کاربرگ بپردازد.

- کار گروهی: یکی دیگر از روش‌های استفاده از کاربرگ در کلاس، استفاده از آن در کار گروهی است. شاید بتوان این روش را مؤثرترین راه استفاده از کاربرگ دانست که متأسفانه در ایران کم‌تر مورد توجه واقع شده است. معلم می‌تواند دانش‌آموزان کلاس را به گروه‌های چند نفره تقسیم کند و پس از پایان تدریس از همه‌ی دانش‌آموزان بخواهد تا به صورت گروهی به حل مسایل کاربرگ بپردازند. دانش‌آموزان هنگام حل مسایل در گروه‌ها با همه‌ی مطالب مهم درس درگیر می‌شوند. معلم می‌تواند از گروه‌ها بخواهد که هر یک پاسخ یکی از مسایل را بگویند و آن مسأله را برای دیگر گروه‌ها حل کنند و به این ترتیب هم از فرایند یاددهی بازخورد بگیرد و هم با ایجاد حس رقابت، انگیزه‌های یادگیری دانش‌آموزان را تقویت کند.

بدیهی است که معلمان می‌توانند با توجه به محتوای آموزشی هر هفته و شرایط کلاس از ترکیبی از روش‌های بالا استفاده کنند و با حتی هر جلسه روش متفاوتی را به کار برند. روش‌های استفاده از کاربرگ، منحصر به موارد چهارگانه‌ی بالا نمی‌شود و معلمان می‌توانند با توجه به وضعیت کلاس و شناختی که از دانش‌آموزان خود دارند، روش‌های ویژه‌ی خود را در استفاده از کاربرگ داشته باشند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت هر روشی که منجر به برآورده شدن هدف اصلی کاربرگ یعنی درگیر شدن دانش‌آموزان با همه‌ی مطالب و نکات درس شود روشی مؤثر در استفاده از کاربرگ خواهد بود. تأکید دوباره بر این که کاربرگ صرفاً ابزار تدریس معلم است و نه آزمون یا تکلیف، شاید تأکید بی‌جایی نباشد. به یاد داشته باشیم که به گونه‌ای از کاربرگ استفاده کنیم که فرایند یاددهی-یادگیری برای دانش‌آموزان جذاب‌تر و کاراتر شود و بدین ترتیب به یادگیری آنها کمک کنیم.

معلم پس از اتمام یکی از مراحل انتخابی بالا به صلاح‌دید خودش، کاربرگ‌ها را به مسؤول آموزش مدرسه تحویل می‌دهد. در واقع این کار، ملاک اطمینان مسؤول آموزش از آموزش تمام مطالب درسی برنامه‌ریزی‌شده در هر جلسه یا هفته‌ی آموزشی به شمار می‌آید.

^۱ «جدول ارتباط اهداف آموزشی با سوالات کاربرگ و کتاب کار» نام جدولی است که در کتاب راهنمای تدریس بسته مدیریت کلاسی در ابتدای هفته‌ی آموزشی آمده است.

ابزار مدیریت تدریس در ارائه‌ی محتوای آموزشی در کلاس: در کتاب راهنمای تدریس، طرح درسی برای معلم تعریف شده که برای اجرای آن ناگزیر به استفاده از ابزار مناسب است. کاربرگ یکی از ابزارهای مناسبی است که معلم به کمک آن می‌تواند دانش‌آموزان را در رویارویی با مطلب تازه مهار کند و طرح درس مدون خود را طبق برنامه‌ریزی پیش ببرد. چرا که این ابزار تمامی نکات درسی را که در ابتدای یادگیری ذهن عموم دانش‌آموزان را درگیر می‌کند، پوشش داده است.

ابزار بازخوردگیری از فرآیند یاددهی در کلاس: همان طور که در تعریف و طراحی کاربرگ اشاره کردیم، این بخش با توجه به ارتباط مستقیم معلم با دانش‌آموزان در عمومی‌ترین سطح (به دلیل استفاده از سؤال‌های دو سطح ساده و متوسط)، موجب آگاهی وی از نقاط احتمالی ضعف در فرآیند یاددهی می‌گردد. هنگام حل سؤال‌های کاربرگ، معلم با رؤیت سؤال‌های حل‌نشده و یا ناتمام در حل و در مجموع سؤال‌هایی که عموم دانش‌آموزان برای حل آن با مشکل روبه‌رو هستند، به ضعف خود و یا فراموش کردن مطلب در مرحله‌ی یاددهی آگاه می‌شود و در همان جلسه در صد رفع آن برمی‌آید.

ابزار توزیع وقت و محتوا در کلاس درس: پیش‌تر به نوع تقسیم‌بندی برگه‌های کاربرگ اشاره کردیم و گفتیم که میزان اهمیت هر مطلب و زمانی که برای تدریس لازم دارد، مدنظر بوده است. از آن رو که کاربرگ در شکل کلی خود این تقسیم‌بندی را دارد و در هر قسمت نیز تمام نکات درسی را در خود جای داده، می‌تواند به معلم در برنامه‌ریزی زمانی هر جلسه و هر هفته‌ی آموزشی کمک کند.

ابزار کنترل تحقق کف آموزش در کلاس: اگر کف آموزش را هدف اولیه و لازم هر سیستم آموزشی تعریف کنیم، هم‌چنان که این تعریف در کتاب راهنمای معلم آموزش و پرورش نیز مدنظر بوده، کاربرگ با داشتن سؤال‌های دو سطح ساده و متوسط و پوشش دادن تمامی مطالب درسی کتاب، ابزاری مناسب برای نیل به این هدف قلمداد خواهد شد.

ابزاری برای توجه به همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس: در سطح یک کلاس درس، بی‌گمان دانش‌آموزانی با سبک‌های مختلف یادگیری و هوش‌های متفاوت نشسته‌اند. مدرسه هر ساختاری که داشته باشد، اعم از دولتی، غیردولتی و استعدادهای درخشان و ... این گوناگونی را در خود دارد. بسیار محتمل می‌نماید که دانش‌آموزان قوی‌تر در هنگام تدریس سؤال‌هایی مطرح کنند که باعث انحراف معلم از مسیر صحیح تدریس شود و دیگر دانش‌آموزان را به شنونده‌های منفعل و واژه از درس بدل کند. توجه به همه دانش‌آموزان از ضروری‌ترین ویژگی‌های یک تدریس موفق است. با توجه به این ویژگی کاربرگ، یعنی دربرداشتن سؤال‌های دو سطح ساده و متوسط، این بخش بستی مدیریت کلاسی، توجه معلم را در فرآیند یاددهی به عموم دانش‌آموزان معطوف می‌دارد.

ابزاری برای یادگیری دانش‌آموزانی که مطالب را در کنار هم کلاسی‌های خود بهتر یاد می‌گیرند: طبق «نظریه‌ی سبک‌های یادگیری کلب» تعدادی از دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند برای یادگیری یک مطلب تازه به بحث و تبادل نظر با دیگران بپردازند. هم‌کلاسی‌ها گاه در تکمیل یک بحث یا از بین بردن برداشته نامناسب از یک مطلب، بسیار موفق‌تر از معلم عمل می‌کنند؛ چرا که همه با هم و هم‌زمان مطلبی را می‌آموزند و نیز از مزیت هم‌سن بودن برخوردارند و در نتیجه اشتباه‌های یکدیگر را بهتر درمی‌یابند. جمله‌ی ویگوتسکی، «پداگوژیست روس که می‌گوید: «دانش‌آموزان در منطقه‌ی مجاور رشد (ZPD) خود بهتر یاد می‌گیرند»، شاعدی بر این ادعاست. کاربرگ از آن جهت که دقیقاً در خلال فرآیند تدریس و در کلاس، دانش‌آموزان را با مطلب درسی درگیر می‌کند، می‌تواند درک بهتر مطلب از سوی دانش‌آموزانی با این سبک یادگیری مفید واقع شود. از این رو طراحان بستی مدیریت کلاسی مرأت بر حل گروهی کاربرگ تأکید بیشتری دارند.

در واقع برخی از کاربردهای کاربرگ را می‌توان به صورت عناوین ذیل خلاصه کرد:

- ابزار مدیریت تدریس در ارائه‌ی محتوای آموزشی در کلاس
- ابزار مدیریت زمان در ارائه‌ی محتوای آموزشی در کلاس
- ابزار مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری
- ابزاری برای توجه به همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس
- ابزار بازخوردگیری از فرآیند یاددهی در کلاس
- ابزار کنترل تحقق کف آموزش در کلاس